

## زمان دستوری و تلویحات ایدئولوژیک آن در ترجمه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup>

نسرين عبدی<sup>۲</sup>

فرزانه فرحزاد<sup>۳</sup>

گلرخ سعیدنیا<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

در این پژوهش، با استفاده از مدل نقد ترجمه فرحزاد (Farahzad, 2012) که ترکیبی از تحلیل گفتمان انتقادی، راهکارهای ترجمه‌ای و بینامتنیت است، زمان دستوری فعل‌ها در پیکره‌ای مشتمل بر دو زندگی‌نامه سیاسی و ترجمه فارسی آن‌ها بررسی شد. هدف پژوهش، بررسی تغییرات زمان دستوری در ترجمه و امکان تلویح‌های ایدئولوژیک برآمده از این تغییرات از سوی مترجم است. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به نقد مقابله‌ای پرداخته و با الگوگیری از مدل سه‌وجهی فرحزاد (همان) فقط در سطح متنی انجام شده است. هر جمله و بند از زبان پیشین (مبدأ) با معادل آن در زبان پسین (مقصد)

---

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.26886.1727

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات قم (نویسنده مسئول)؛ n-abdi@farabi.tums.ac.ir

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی آموزش زبان انگلیسی، استاد گروه مترجمی زبان انگلیسی، هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی؛ farahzade@atu.ac.ir

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، پژوهشگر آزاد، تهران؛ saeednia\_g@yahoo.com

یک‌به‌یک از جنبه‌ زمان دستوری مقایسه شدند. در روند بررسی زمان دستوری از زندگی‌نامه سیاسی دو چهره سرشناس (نلسون ماندلا و مارگارت تاچر) بهره گرفته شد که هر کدام از منظر قدرت حاکم بر جامعه ایران، جایگاه اجتماعی سیاسی ویژه‌ای دارند؛ کاربرد زمان دستوری از سوی مترجم گاه بیانگر تلویح‌های ایدئولوژیک برای معرفی ماندلا به عنوان یک چهره سیاسی معتبر و اخلاقی است. در بررسی زندگی‌نامه تاچر مترجم وضعیت جدیدی در بازنمایی وقایع می‌یابد. پیشینه سیاسی تاچر نمایانگر موضع‌گیری‌های وی و تأثیر این موضع‌گیری‌ها در بازنمایی رویدادها و نمایش ایدئولوژیک آن در جامعه و تأثیرات آن بر ترجمه غیر قابل انکار است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تغییرات زمان دستوری در دو کتاب زندگی‌نامه ماندلا و تاچر که منجر به بروز تلویحات ایدئولوژیک شده‌اند، مانند هم نیست. اگر چه میزان تلویح‌های ایدئولوژیک به دست آمده از تغییر زمان دستوری، آمار چشمگیری را در این پژوهش نشان نمی‌دهد، اما نمی‌توان راهکارهای گوناگون مترجم و تأثیرات قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه ایران را بر ترجمه نادیده گرفت. به باور نگارنده، تلویح‌های ایدئولوژیک برآمده از زمان دستوری در هر دو ترجمه در تلاش برای نشان دادن چهره خاصی از فرد است.

**واژه‌های کلیدی:** تغییر زمان دستوری، نقد ترجمه، تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، بینامتنیت

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسی و پژوهش‌های مرتبط با آن همواره در زندگی بشر نقش مهمی بر عهده داشته‌است و این مطالعات، علوم گسترده‌ای را مورد بررسی و چالش قرار داده‌اند. اهمیت علم زبان‌شناسی، به ویژه در علوم انسانی و فوننی همچون ترجمه اهمیت بسیاری داشته‌است. امروزه ابزارهایی غیر از شیوه‌های علمی زبان‌شناسی نیز در اختیار پژوهشگران مطالعات ترجمه قرار گرفته‌اند اما همچنان زبان‌شناسی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد این پژوهش‌ها به شمار می‌آید. یکی از رویکردهایی که در سال‌های اخیر مورد استفاده رشته مطالعات ترجمه و به ویژه نقد ترجمه بوده، تکیه بر دستاوردهای زبان‌شناسی نقش‌گرا و به طور ویژه تحلیل گفتمان انتقادی است. بر پایه دیدگاه میرشجاعی و قریشی (Mirshojaee & Ghoreishi, 2016, p. 8) مطالعات ترجمه دیدگاه‌های صرفاً زبان‌شناسانه را برای بررسی فرایند ترجمه ناکافی دانسته و برای بررسی ساخت معانی و پیام ساختارهای زبان‌شناسی در چارچوب عوامل زبان‌شناختی و فرا-زبان‌شناختی به سمت و سوی راهکارهای انتقادی روی آورده‌است.

## ۱. بیان مسأله

با توجه به نقش ترجمه و پیوند آن با تحلیل گفتمان، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به بررسی این نقش شده‌است و مدل‌های گوناگون نقد ترجمه بر این پایه طرح‌ریزی شده‌اند. یکی از مدل‌های نقد که با تکیه بر آرای تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه‌های مهم در مطالعات ترجمه پیشنهاد شد، مدل «نقد ترجمه فرحزاد» (Farahzad, 2012) است. این مدل، در ادامه بحث‌های فرحزاد از مدل ۲۰۰۸ وی در باب نقد ترجمه مطرح شد. به دلیل اهمیت بحث ایدئولوژی در مبحث‌های رویکردهای جدید به ترجمه و به ویژه در روش‌شناسی مدل نقد ترجمه فرحزاد (Farahzad, 2012)، در این پژوهش منظری دیگر از مباحث نحوی یعنی مقوله زمان دستوری<sup>۱</sup> از جنبه تأثیرات ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گرفت. هدف پژوهش، بررسی تغییرات زمان دستوری در ترجمه و امکان تلویحات ایدئولوژیک برآمده از این تغییرات از سوی مترجم است.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

تحلیل گفتمان اساساً در زبان‌شناسی زاده شد و تاکنون مرحله‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته‌است؛ اگرچه زبان‌شناسی مدت‌ها در تحلیل گفتمان فراموش شده بود، اما در سال ۱۹۵۲ زبان‌شناسان ساختگرایی آمریکایی بررسی واحدهای بزرگتر از جمله را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار دادند و آن را تحلیل گفتمان نامیدند. با گسترش نقش‌گرایی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی برخی از زبان‌شناسان مفهوم بافت را نیز وارد تحلیل گفتمان کردند؛ بافت در این دیدگاه شرایط زمانی و مکانی محدودی بود که زبان در آن به کار می‌رفت. به باور آن‌ها، گفتمان به مثابه زبان به هنگام کاربرد در نظر گرفته شد؛ این نوع از تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان نقش‌گرا نامیده شد. نقطه ضعف نگرش مورد اشاره این بود که بافت مورد نظر بسیار محدود و محلی بود؛ از این رو، فاولر<sup>۲</sup>، هاج<sup>۳</sup>، کرس<sup>۴</sup> و ترو<sup>۵</sup> در قالب زبان‌شناسی انتقادی قدرت و ایدئولوژی را نیز وارد جریان غالب تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی کردند. زبان‌شناسی انتقادی در دهه ۸۰ و ۹۰ رشد چشمگیری کرد و به تحلیل گفتمان انتقادی معروف شد. به طور کلی سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساختگرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه نمود. تحلیل گفتمان انتقادی را زبان‌شناسانی همچون فرکلاف، ون‌دایک و بوداک

<sup>1</sup> tense

<sup>2</sup> R. Fowler

<sup>3</sup> B. Hodge

<sup>4</sup> G. Kress

<sup>5</sup> T. Trew

بنیان‌گذاری کردند؛ اگرچه در تحلیل گفتمان انتقادی مفهوم گفتمان بسیار بزرگتر از دو رویکرد دیگر است ولی وجه مشترک همه آن‌ها این است که در آن‌ها زبان بزرگتر از گفتمان است (Soltani, 2004, p. 154 & 155-159). تحلیل گفتمان، به دلیل بینارشته‌ای بودن، به سرعت به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های گوناگون علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال قرار گرفت. تحلیل گفتمان انتقادی، به عنوان یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان، از جنبه نظری و روش‌شناختی از مرز توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌رود. این روش، در پی آن است که فرآیندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان در ترجمه، مناسبات زبان با قدرت و روابط سلطه و هژمونی<sup>۱</sup>، پیش‌فرض‌های گفتمانی دربردارنده بار ایدئولوژیک و نابرابری‌های گفتمانی را در کانون توجه خود قرار دهد (Widdowson, 2004, p. 134).

در تحلیل گفتمان انتقادی، نقد ایدئولوژی و قدرت بیش از سایر انواع تحلیل گفتمان مورد توجه قرار دارد. تحلیل گفتمان انتقادی که برگرفته از آرای زبان‌شناسی اجتماعی و انتقادی است، به کوشش متفکرانی چون میشل فوکو<sup>۲</sup>، ژاک دریدا<sup>۳</sup> و دیگر متفکران برجسته غرب وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. تحلیل گفتمان به عنوان یک گرایش بینارشته‌ای با علوم و فنون بسیاری پیوند خورده است. یکی از زمینه‌هایی که به ویژه در چند سال اخیر مورد توجه گرایش‌های دیگری چون مطالعات ترجمه بوده، کاربرد تحلیل‌های گفتمان انتقادی در تحلیل و نقد متون ترجمه شده و بررسی تأثیرات قدرت‌های پنهان و ایدئولوژی بیان شده در متن ترجمه و تقابل‌های ترجمه‌ای در این راستا است. به باور خزاعی فر (Khazae Far, 2005) مترجم گاه برای پر کردن خلأ، ترجمه و حفظ تعادل زیبایی‌شناختی و گاه تحت تأثیر قدرت و ایدئولوژی حاکم، با تفسیر و تعبیر خود از متن، عامل تغییر، برجسته‌سازی و یا حاشیه‌رانی متن در هنگام ترجمه می‌شود. از سویی از دیدگاه نقش‌گرایی، هر موضوعی را می‌توان سیاسی یا سیاسی‌شده انگاشت. به بیان دیگر، انواع متن و اشکال گفت‌وگو که به مفهوم سیاسی نزدیک‌ترند، سیاسی به شمار می‌آیند. این متن‌ها در واقع آراء، عقاید و رفتارهای سیاسی یک جامعه را نشان

<sup>۱</sup> فرهنگ لغات آکسفورد (Stevenson, 2010) واژه هژمونی (hégémonie) را «اعمال کنترل از سوی یک کشور یا سازمان بر کشورهای دیگر در قالب یک گروه خاص» معنا می‌کند؛ در فرهنگ لغات کمبریج (McIntosh, 2013) هژمونی به معنای «بهره‌مندی از جایگاه قوی‌ترین و قدرتمندترین در میان دیگران» به ویژه در روابط میان کشورها (به گونه‌ای که امکان کنترل آنان را فراهم سازد) به کار رفته است؛ فرهنگ لغات وبستر (Webster, 2020) نیز هژمونی را «نفوذ یا اقتدار برتر به ویژه نفوذ یک ملت بر دیگران» تعریف می‌کند.

<sup>۲</sup> M. Foucault

<sup>۳</sup> J. Derrida

می‌دهند و مورد توجه تحلیل گفتمان انتقادی و سیاسی هستند. از میان آن‌ها می‌توان به کتاب‌های درسی، مقاله‌های علمی، رساله‌ها و بیانیه‌های احزاب سیاسی و سخنرانی سیاستمداران اشاره نمود. ترجمه نیز در این میان پدیده‌ای بسیار رایج تقریباً همه انواع گفتمان سیاسی است. گفتمان سیاسی به ترجمه تکیه دارد و ترجمه در حقیقت بخشی از تکامل گفتمان و پلی است مابین گفتمان‌های گوناگون. به کمک ترجمه، اطلاعات از مرزهای ملی فراتر می‌رود و در اختیار ملت‌های مختلف قرار می‌گیرد. همچنین واکنش یک کشور به بیانیه‌های منتشر شده از سوی کشورهای دیگر، در واقع واکنش به اطلاعاتی است که به وسیله ترجمه در اختیار ایشان قرار گرفته است. تحلیل گفتمان سیاسی، رفتار زبانی را به رفتار سیاسی پیوند می‌زند؛ این رفتار زبانی کاملاً بازتاب رفتار میانجی‌گری شده، یعنی میانجی‌گری فرآیند ترجمه است. بنابراین لازم است که در تحلیل متن‌های سیاسی پدیده ترجمه به طور کامل در نظر گرفته شود (Schaffner, 2004, p. 78 & 80).

### ۱.۳.۱. مدل نقد فرحزاد

این پژوهش به طور کل از تحلیل گفتمان انتقادی و به طور جزء از چهارچوب مدل سه‌وجه فرحزاد (Farahzad, 2012) بهره می‌گیرد. مدل فرحزاد در یک مثلث سه‌وجه، تحلیل گفتمان انتقادی، بینامتنیت<sup>۱</sup> و انتخاب‌های ترجمه‌ای را به عنوان رویکردی در مطالعات ترجمه و نقد ترجمه به کار گرفته است. از دیدگاه فرحزاد نقد ترجمه به جای پرداختن به چرایی ترجمه به این می‌پردازد که ترجمه چه می‌کند و چه کارکردی در جامعه دارد. در رویکردهای جدید به ترجمه و در پرتو تحلیل گفتمان انتقادی، به مسائلی همچون طبقه اجتماعی، قدرت، جنسیت، تبعیض، ایدئولوژی و بافت اجتماعی پرداخته می‌شود. این رویکرد انتقادی با تأکید بر جهت‌دار بودن جریان ترجمه در عصر حاضر، ضمن تأکید بر حفظ جایگاه زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، در پی به چالش کشیدن هژمونی از منظر ترجمه است (برگرفته از Farahzad, 2012).

### ۱.۳.۱. تحلیل گفتمان انتقادی

فرحزاد (Farahzad, 2012) به این نکته اشاره می‌کند که تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان یک شاخه میان‌رشته‌ای، ضمن ایجاد ارتباط مابین زبان‌شناسی و تفکر انتقادی، به رابطه میان متن و جامعه می‌پردازد و مسائلی چون نابرابری و تبعیض در جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. پیش فرض چنین تحلیلی آن است که زبان، قدرت و ایدئولوژی به هم مرتبط باشند. بنابراین در نقد ترجمه باید به عملکرد گفتمان پرداخته شود که متأثر از ایدئولوژی و قدرت است، به همین دلیل

---

<sup>1</sup> intertextuality

شالوده کار وی بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی قرار می‌گیرد (نخستین ضلع مثلث). به گفته وی، ایدئولوژی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی دارای معانی و تعابیر مختلفی است که بعضی بیشتر و بعضی کمتر سیاسی هستند. در تعریف سیاسی تر، ایدئولوژی دارای بار معنایی منفی است و اغلب با مفاهیمی چون تحریف و سلطه سیاسی همراه است. با این وجود، در مطالعات ترجمه این اصطلاح، به معنایی گسترده‌تر به کار می‌رود و محدود به حوزه سیاسی نیست (برگرفته از Farahzad, 2012, p. 38). بر پایه اصول تحلیل گفتمان، در هنگام بررسی ترجمه، باید ویژگی‌های متن با موقعیت‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی تولید و دریافت متن مطابقت داده شوند؛ به بیانی، ساختارها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتمان چارچوب‌بندی می‌شوند، این جنبه، مطالعات ترجمه را به تحلیل گفتمان سیاسی و تحلیل گفتمان انتقادی پیوند می‌زند. همچنین با تطبیق ترجمه‌های متن مبدا به یک یا چند زبان می‌توان نشان داد که چگونه شرایط تاریخی و اجتماعی ویژه در جامعه و فرهنگ گیرنده در رفتار ترجمه تاثیر گذاشته‌است. ترجمه معمولاً در بافت‌سازی دوباره بین فرهنگی نقش دارد. از این رو بررسی اینکه چگونه متن‌های به ظاهر مشابه در فرهنگ‌های گوناگون دریافت می‌شوند و چه تأثیری بر خوانندگان و فرهنگ‌ها می‌گذارند زمینه با ارزشی برای پژوهش مشترک در دو حوزه تحلیل گفتمان سیاسی و مطالعات ترجمه را فراهم آورده‌است (Schaffner, 2004, p.108-109).

### ۱.۳.۲. بینامتنیت

دومین ضلع مدل مثلثی فرحزاد (Farahzad, 2012) بینامتنیت است که با پیروی از باختین<sup>۱</sup> و کریستوا<sup>۲</sup> انتخاب شده‌است، بینامتنیت به تعبیر وی محیط ارتباطی بین متن مبدا و مقصد است. بر پایه بینامتنیت نمی‌توان متن مقصد را نسخه دقیقی از متن مبدا فرض کرد. بر پایه این دیدگاه، همه متن‌هایی که به یک ژانر یکسان تعلق دارند، مؤلفه‌های زبانی و ساختاری مشترک دارند. متن‌ها به هم ارجاع می‌دهند یا از یک‌دیگر نقل می‌کنند. متن مبدا با تمام متن‌هایی که پیش از آن در زمان خودش بوده مرتبط است، همچنین متن مقصد با متن مبدا و با تمام متن‌های مقصد محتمل که در آن زبان و یا زبان‌های دیگر وجود دارد مرتبط می‌شود. با این دیدگاه هر متن دارای دو بخش است: یکی بخش ارجاعی یا همان تکرار متن‌های پیش از خود و دیگر بخش غیرارجاعی که جدید و غیر تکراری است. این تکرارها نشان می‌دهند که بازنمایی متن مبدا به مقصد چه تأثیراتی را بر زبان اعمال می‌کند و فرهنگ و هویت‌های پیشین چگونه بازنمایی می‌شوند و چه

<sup>1</sup> M. Bakhtin

<sup>2</sup> J. Kristeva

ایدئولوژی‌هایی را با خود حمل می‌کنند. از این رو، در مفهوم متن مبدأ و مقصد به این ابهام دست می‌یابیم که اساساً این دو اصطلاح روشن‌گر مفهوم درستی در رابطه میان دو متن نیستند؛ یعنی هر متن مقصدی می‌تواند متن مبدأیی باشد برای رسیدن به متن مقصد دیگر و هر متن مبدأیی خود برای متن مبدأ دیگری می‌تواند یک متن مقصد باشد و این زنجیره همچنان ادامه خواهد داشت. بنابراین در این مدل از متن مبدأ به عنوان متن پیشین و از متن مقصد به عنوان متن پسین یاد می‌شود. فرحزاد (همان) با تکیه بر مفهوم جدید برگرفته از زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی و تحلیل گفتمان انتقادی که در آن، متن فقط یک فرآورده زبانی نیست و به یک رویداد اجتماعی تبدیل شده‌است، ترجمه را نیز یک رویداد اجتماعی می‌انگارد. به باور وی ترجمه، در یک محیط بینامتنی ابزار ارتباطی بین جامعه پیشین (مبدأ) و جامعه پسین (مقصد) است و هم در جامعه پسین به صورت ابزاری ارتباطی عمل می‌کند (برگرفته از ( Farahzad, 2004, p. 204; Farahzad, 2012, p. ) (36-38)).

### ۱.۳.۳. انتخاب ترجمه‌ای

ضلع سوم مثلث فرحزاد (Farahzad, 2012)، انتخاب ترجمه‌ای از سوی مترجم است. انتخاب‌های ترجمه‌ای مترجم از دو منظر خرد و کلان قابل‌اندیشیدن است. این مقوله در برگیرنده انتخاب‌های واژگانی و دستوری (خرد) و انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای مترجم در سه سطح متنی، پیرامنتی و نشانه‌ای است (کلان). مترجم ممکن است به جای اینکه بین فرهنگ‌ها پلی بزند مابین آن‌ها جدایی بیافکند و به جای حرکت دادن به سمت درک مشترک، خواننده را به سوی بی‌اعتمادی و فراق فرهنگی پیش ببرد. با توجه به دیدگاه تحلیل گفتمان آن‌چه در نگاه نخست اشتباه ترجمه شده (حذف شده، اضافه شده، جابه‌جا شده و به طور کلی ساخت‌شکنی شده‌است)، در واقع ساختار، فرآیندها، هنجارها و محدودیت‌های اجتماعی سیاسی مشخصی را برجسته می‌کند که ترجمه‌ها بر پایه آن‌ها تولید و دریافت می‌شوند. بنابراین نقد ترجمه به آشکار کردن و نقد رفتارها و روابط اجتماعی سیاسی کمک می‌کند (-127 & 124-125, Schaffner, 2004). در انتخاب ترجمه‌ای، فرحزاد سه سطح متنی، پیرامنتی و نشانه‌ای را که فرآورده کارکرد ترجمه از منظر موضع و ایدئولوژی در جامعه پسین هستند، بررسی می‌کند. در این مدل نشانه‌های متنی و انتخاب‌های ترجمه‌ای به موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک مرتبط می‌شوند و با در نظر گرفتن متن ترجمه به عنوان یک رویداد اجتماعی بر این باور است که متن ترجمه به صورت یک ابزار ارتباطی در جامعه پسین عمل می‌کند و محل برخورد دو نظام زبانی و اجتماعی است. بر پایه دیدگاه وی در سطح متنی، انتخاب‌های واژگانی و دستوری و راهکارهای مترجم در ترجمه با

توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی جامعه پیشین و پسین اساس نقد را می‌سازد. در انتخاب‌های ترجمه‌ای مهم این است که آیا واژگان و دستور و راه کارهای مترجم در انتخاب هر یک نمایانگر مناسبات قدرت هستند یا خیر. از میان این راهکارها می‌توان به حذف، اضافه، تغییر عاملیت، جابه‌جایی و موارد مشابه اشاره کرد؛ نگاهی گذرا به کردارهای گفتمانی زبانی و غیر زبانی نشان می‌دهد که هدف بیشتر این راهکارها در پی برجسته ساختن یک گفتمان و به حاشیه راندن یا حذف دیگری هستند (Farahzad, 2012, p. 39-40). در حقیقت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ساز و کار مشترک حاکم بر همه کردارها و رفتارهای گفتمان سیاسی است که در سطح جمله و بالاتر از آن عمل می‌کند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است و به این طریق به تولید معنا می‌پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، دشمن و موارد مشابه را حذف و طرد می‌سازد (soltani, 2004, p.171).

فرحزاد (Farahzad, 2012, p. 35) معتقد است که گاهی مترجم خود نیز نسبت به انتخاب‌هایش آگاه نیست، اما منتقد باید نسبت به این انتخاب‌ها آگاه باشد. در واقع، منتقد باید تشخیص دهد کجا، چه تفاوت‌هایی وجود دارند و چرا این اتفاق‌ها رخ داده‌اند. انتخاب‌های ترجمه‌ای علاوه بر سطح متنی، در سطح پیرامنی به بررسی یادداشت مترجم یا ناشر، مقدمه، مؤخره و پانویس و در سطح نشانه‌ای به تصاویر روی جلد، صفحه‌آرایی، نوع خط و رنگ آمیزی اثر ترجمه شده و متن پیشین آن می‌پردازد.

بر مبنای آن‌چه بیان شد در این پژوهش به تغییرات زمان دستوری<sup>۱</sup> در ترجمه متن پیشین به پسین و بررسی تلویحات ایدئولوژیک ناشی از آن با تکیه بر دیدگاه فرحزاد، فقط در سطح متنی پرداخته می‌شود. برای بیان بهتر مطالب و پیش از بحث و تحلیل داده‌ها به توضیح بیشتر در پیوند با زمان دستوری می‌پردازیم:

## ۲. زمان دستوری<sup>۱</sup> و پیشینه پژوهش‌ها

زمان دستوری، اصطلاحی است که نخستین بار دستوریان سنتی آن را به کار بردند و امروزه نیز به همان مفهوم اولیه خود به کار گرفته می‌شود. در زبان‌شناسی، زمان دستوری را اغلب دستوری نمودن بیان مکان در زمان تعریف کرده‌اند (Lyons, 1968, p. 304; Comrie, 1985, p. 8). در یک دسته‌بندی کلی، زمان دستوری به سه گروه اصلی گذشته، حال و آینده گروه‌بندی می‌شود

<sup>۱</sup> در این پژوهش تغییر زمان دستوری، طبق دیدگاه کتفورد (Catford, 1965, p. 91) نوعی تغییر (shift) به شمار آمده‌است.



و این به ظاهر بدیهی‌ترین مقوله‌بندی مفهوم زمان است. گلفام (Golfam, 2014, p. 70-71) در تعریف زمان دستوری به این اصل اشاره دارد که وجود زمان دستوری به منزله بازتاب تمهیداتی است که زبان برای دستوری کردن مفهوم زمان به کار می‌گیرد. به بیان دیگر، زمان دستوری ارتباط بین دو رخداد را در گذر زمان آشکار می‌سازد (همان، ۱۳۲). زمان‌های دستوری از این قرارند: گذشته ساده، گذشته (ماضی) استمراری، ماضی مستمر (در جریان)، ماضی نقلی (حال کامل)، ماضی نقلی استمراری، ماضی نقلی مستمر (در جریان)، ماضی بعید (دور)، ماضی نقلی بعید (دور)، ماضی التزامی، زمان حال ساده (مضارع اخباری)، حال استمراری، حال مستمر (در جریان)، مضارع التزامی، زمان آینده. رضایی (Rezaei, 2009, p. 31) افزون بر توجه به مقوله «وجه و زمان دستوری»، زمان دستوری را ابزار دستوری یافتن محل رویداد بر روی محور زمان دانسته که این خود، ارتباط تنگاتنگی با مقوله‌های معنایی و دستوری دیگر مانند نمود دارد. زمان دستوری به طور فعالی در نمایاندن طیف گسترده‌ای از معانی وجه در زبان فارسی ایفای نقش می‌کند. رضایی (همان) در بررسی تحلیلی نحوی-معنایی نمود، زمان دستوری و وجه در ساخت‌های فعلی زبان فارسی رابطه میان نمود، زمان دستوری و وجه در ساخت‌های فعلی را در بسیاری موارد رابطه مستقیم نمی‌داند یعنی یک رابطه مستقیم بین صورت و معنا بر آن‌ها حاکم نیست. این ناهم‌خوانی نه تنها در زبان فارسی بلکه در بسیاری زبان‌های دنیا قابل مشاهده است. زمان دستوری گذشته در اغلب ساخت‌های شرطی، زمان تقویمی آینده و در ساخت‌هایی که مفهوم نتیجه‌گیری و اجبار دارند زمان تقویمی حال را نشان می‌دهد. صفردوست (Safardoost, 2016) می‌کوشد وضعیت صورت‌های پیچیده تصریفی را در ذهن سخنگویان زبان فارسی، آن هم با تمرکز بر روی تصریف زمان دستوری افعال ساده زبان فارسی، در بی‌نشان‌ترین حالت آن (حال اخباری و گذشته ساده)، مورد بررسی قرار دهد. منتظری هدشی (Montazeri, 2012) به این نکته اشاره می‌کند که یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در کشور ما اهمیت بسیاری دارد. بر این مبنای وی بیان می‌کند که یافتن مواردی که منجر به دشوار شدن روند یادگیری آن می‌شود می‌تواند کمک بسزایی در آموزش این زبان باشد. وی هدف از پژوهش را یافتن برخی از مشکلات فارسی‌زبانان در روند یادگیری زبان انگلیسی دانسته است. وی در این زمینه می‌نویسد که عامل زمان در فعل‌های زبان‌های فارسی و انگلیسی بر پایه نظریه «معتدله زبان‌شناسی مقابله‌ای»، مقایسه و مقابله شده‌اند. وی از پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که زبان‌آموزان در یادگیری و کاربرد برخی از زمان‌هایی که در دو زبان تفاوت کمی با یک‌دیگر دارند دچار اشتباه می‌شوند.

افزون بر معرفی کوتاه برخی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه زمان دستوری، مشاهده می‌شود

بیشتر دیدگاه‌های ارائه شده در این زمینه فقط مختص به تعریف زمان دستوری و رابطه آن با نمود و وجه بوده است. در این میان، پژوهشی در پیوند با امکان نقش زمان دستوری در بیان تلویحات ایدئولوژیک، غیر از اشاره فرحزاد به نقش آن در این امر مورد دیگری از سوی پژوهشگران ایرانی یافت نشد. بنابراین، با توجه به اهمیت بحث زمان در ترجمه سعی شد از تحلیل گفتمان انتقادی در چارچوب دیدگاه‌های فرحزاد برای شرح این مطلب استفاده شود. این پژوهش به این می‌پردازد که زمان دستوری می‌تواند در بازنمایی تلویحات ایدئولوژیک سیاسی نقش مهمی داشته باشد.

### ۳. تحلیل داده‌های پژوهش

در این پژوهش ۵۴۶۰ فعل، از پیکره پژوهش، بررسی شدند. این فعل‌ها در جمله‌های پایه و پیرویی آمده‌اند که در بخش‌های مورد بررسی پیکره پژوهش به کار رفته‌اند. انتخاب بخش‌ها کاملاً تصادفی بوده است. پیکره این پژوهش از زندگی‌نامه دو چهره سیاسی و ترجمه آن‌ها به زبان فارسی گرفته شد؛ این دو کتاب مشتمل اند بر «long walk to freedom: the autobiography of Nelson Mandela» نوشته خود وی که در سال ۱۹۴۸ به نگارش درآمد. ترجمه این کتاب، با نام «راه دشوار آزادی: خاطرات نلسون ماندلا» به وسیله مهوش غلامی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید. کتاب دوم به نام «Margaret Thatcher: a portrait of the Iron Lady» نوشته جان بلاندل (Blundell, 2008) است که به وسیله هانیه چوپانی در سال ۱۳۶۹ ترجمه شد. از کتاب زندگی‌نامه ماندلا فصل‌های ۱، ۶ و ۱۱ و از کتاب زندگی‌نامه تاجر بخش‌های ۱، ۱۳، ۲، ۱۴، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ بررسی شد.

در توضیح و بررسی تغییرات ایدئولوژیک زمان دستوری مواردی از هر دو کتاب به همراه ترجمه آن‌ها ارائه شده‌اند. برای بازنمایی الگویی از آنچه فرحزاد در نقد ترجمه متن بیان می‌کند، موارد و شواهدی از دو کتاب زندگی‌نامه ماندلا و تاجر و شرح موارد ایدئولوژیک آن‌ها در زیر ادامه آمده است.

#### ۳. ۱. تلویحات ایدئولوژیک در کتاب زندگی‌نامه ماندلا

##### ۳. ۱. ۱. تلویحات ایدئولوژیک زمان گذشته ساده

الف) گذشته ساده به مضارع اخباری

1. To be a black man in South Africa meant not to trust anything (Mandela, 1994, P. 217).

سیاه پوست بودن در آفریقای جنوبی به این معنی است که نباید به کسی اعتماد کنی (Gholami, 2016, p. 345).

«زمان دستوری گذشته ساده در متن پیشین (meant) به مضارع اخباری فعل to be (به این معنی است) ترجمه شده، مترجم به طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که سیاه پوست بودن، نه در گذشته بلکه در زمان حال نیز به این معنی است که نباید به کسی اعتماد کنی (درحالیکه منظور نویسنده عدم اعتماد در گذشته بوده است). عمل در گذشته تمام شده اما در متن ترجمه زمان فعل به مضارع اخباری تبدیل شده که نشان می دهد گویی هنوز چیزی در آفریقا تغییر نکرده است و هنوز هم سیاه پوست بودن به معنی اعتماد نکردن به دیگران است.

ب) گذشته ساده به ماضی نقلی:

2. I never doubted her love or questioned her support (Mandela, 1994, p.17).

من هیچ گاه در مورد عشق او تردید نداشتم/ یا حمایت او [مادرم] از خودم را زیر سوال نبرده ام (Gholami, 2016, p. 17).

«زمان دستوری گذشته ساده در متن پیشین (never questioned/never doubted) به ماضی نقلی (تردید نداشتم/ زیر سوال نبرده ام) ترجمه شده است. مترجم با استفاده از زمان دستوری ماضی نقلی انتقال یک عمل از گذشته به حال را نشان می دهد. به این معنا که مترجم به طور ضمنی بر این تأکید دارد که ماندلا تاکنون به عشق مادرش تردید نکرده و نمایانگر این است که این اعتماد فقط مختص به گذشته نیست و نتیجه و اثر این احساس هنوز (زمان نگارش کتاب) باقی مانده است (اشاره به وفاداری ماندلا و عشق او به خانواده).

3. Although I was a member of the royal household, I was not among the privileged few who were trained rule (Mandela, 1994, p.16).

هرچند من از اعضای خاندان سلطنتی بوده ام... (Gholami, 2016, p. 16)

زمان دستوری در متن پیشین فعل گذشته ساده (was) است که در ترجمه به ماضی نقلی (بوده ام) ترجمه شده است. مترجم با کاربرد این زمان تأکید بر تداوم عمل دارد؛ مترجم این تلویح ایدئولوژیک را بیان کرده که گویی او (ماندلا) از گذشته تاکنون از اعضای خاندان سلطنتی به شمار می آید. از سویی فعل معین «to be» که یک فعل حالت (state) است نیز از جنبه معنایی تداوم را نشان می دهد (تأکید مترجم بر اصالت و اعتبار ماندلا).

گاهی مترجم برای رد صفات منفی در ترجمه کتاب برخی تأثیرات ایدئولوژیک را بر متن

ترجمه اعمال کرده است:

4. My father was involved in a dispute that deprived him of his chieftainship at Mvezo and revealed a strain in his character I believe he passed on to his son (Mandela, 1994, P.17).

پدرم درگیر مشاجره و اختلافی شد که او را از ریاست موزو محروم کرد و این جریان به صورت یک فشار عصبی شخصیت او را تحت تاثیر قرار داد و فکر می کنم این ویژگی به پسرش نیز منتقل

شده است (Gholami, 2016, p. 17).

زمان دستوری گذشته ساده معلوم (passed) در ترجمه به ماضی نقلی مجهول (منتقل شده است) تبدیل شده است. نخستین راهکار به کار رفته تبدیل فعل معلوم به مجهول و تغییر عاملیت در متن است. مترجم با این عمل تأکید بر کنشگر را تلویحاً کاسته است (مترجم به جای به کار بردن این پاره گفته که پدر ماندلا چنین صفتی (عصبی بودن) را به پسر منتقل کرده با حذف کنشگر (he) به لحاظ ایدئولوژیک او را مبرا از این صفت معرفی کرده است). از سویی تغییر واژگانی دیگر در ترجمه واژه «believe» است که به «فکر می کنم» تغییر یافته است (مترجم دریافت صفت های منفی از پدر را در پسر کم رنگ می کند).

تغییر زمان دستوری از سوی مترجم فقط برای حمایت از ماندلا انجام نگرفته است، بلکه در مواردی دیگر که موضوع بحث کشورهای محروم آفریقایی باشد نیز می توان این تلویحات ایدئولوژیک را مشاهده نمود. یکی از این موارد به شرح زیر است:

5. Ethiopia was the birthplace of African nationalism (Mandela, 1994, P. 18).

اتیوپی محل ظهور ناسیونالیسم آفریقایی بوده است (Gholami, 2016, p. 18).

«زمان دستوری متن پیشین گذشته ساده (was) است که در ترجمه به ماضی نقلی (بوده است) ترجمه شده، زمان گذشته ساده نشان از انجام عملی دارد که در گذشته پایان یافته است. هر چند، ترجمه با تغییر زمان دستوری به ماضی نقلی نشان از این دارد که گویی هنوز هم اتیوپی محل ظهور ناسیونالیسم آفریقا است. مترجم با تغییر زمان دستوری کشور اتیوپی را هنوز مرکز ملی گرایی آفریقا معرفی می کند.»

پ) گذشته ساده به گذشته استمراری:

6. Life was lived much as it had been for hundreds of years (Mandela, 1994, p. 15).

در آن جا زندگی به همان گونه ای که صدها سال جریان داشت روال عادی خود را طی می کرد (Gholami, 2016, p. 16).

زمان دستوری فعل اول در متن پیشین گذشته ساده مجهول (was lived) است که در ترجمه از مجهول به معلوم و به زمان گذشته استمراری تبدیل شده است (روال خود را طی می کرد). با تغییر فعل مجهول به معلوم و تغییر عاملیت تأکید بر نقش «زندگی» در ترجمه پررنگ تر از متن پیشین است. مترجم تلویحاً زندگی را به عنوان یک عامل یا کنشگر معرفی می کند. این در حالی است که در جمله مورد بررسی، «زندگی» مفعول است نه فاعل (راهکار تغییر مقولۀ دستوری)

مترجم تلویحاً بر حرکت بی‌وقفه زندگی و بی‌توجهی آن به گذشت زمان تأکید می‌کند؛ گویی این انسان نیست که زندگی می‌کند بلکه این زندگی است که روال عادی حرکت خود را پشت سر می‌گذارد. مترجم با افزودن واژه «عادی» تأکید بیشتری بر حرکت زندگی دارد. زمان دستوری فعل دوم (had been) ماضی بعید است که در ترجمه از جنبه‌ی واژگانی تغییر کرده و به گذشته ساده «جریان داشت» تبدیل شده است.

ت) گذشته ساده به ماضی بعید:

7. My father was confirmed as chief of Mvezo by the King of the thembu tribe (Mandela, 1994, p. 15).

رئیس قبیله تمبو مقام او [یدرم] را به عنوان سرپرست روستای موزو تأیید کرده بود (Gholami, 2016, p. 17).

فعل «was confirmed» با زمان دستوری گذشته ساده به فعل «تأیید کرده بود» به زمان دستوری ماضی بعید تبدیل شده است، در متن انگلیسی زمان فعل، گذشته ساده (به معنی تأیید شد) است. با این وجود، در ترجمه از ماضی بعید استفاده شده است (یعنی عملی که در گذشته، پیش از عمل دیگر اتفاق افتاده). مترجم با کاربرد این زمان به طور تلویحی این را نشان داده که انتخاب پدر ماندلا به عنوان سرپرست روستا پیش از هرچیز تأیید شده بود (تأکید بر اهمیت و ارزش‌گذاری مترجم بر این انتخاب). از سوی دیگر مترجم با راهکار تبدیل جمله مجهول به معلوم تغییر عاملیت را ایجاد کرده یعنی تقویت کنشگر و عامل اصلی انجام فعل به جای مفعول قرار گرفته است. در این جا با مبتدا سازی، کنشگر «رئیس قبیله تمبو» و عملکرد او توسط مترجم مهم نشان داده شده است.

ث) گذشته ساده به ماضی نقلی استمراری

8. According to tradition the thembu people lived in the foothills of the Drakensberg mountains (Mandela, 1994, P. 15).

طبق روایات مردم تمبو در دامنه‌های کوه‌های داکنبرگ زندگی می‌کرده‌اند (Gholami, 2016, p. 17).

فعل «lived» با زمان دستوری گذشته ساده به «زندگی می‌کرده‌اند» با زمان دستوری ماضی نقلی استمراری ترجمه شده است. زمان گذشته ساده اشاره به انجام کاری در گذشته دارد که خاتمه یافته است اما ماضی نقلی استمراری از گذشته شروع شده حتی می‌تواند تا زمان آینده پیش رود. به نظر می‌رسد تغییر زمان دستوری این ایدئولوژی را در بر دارد که مترجم می‌خواهد بر قدمت و تاریخی بودن قبیله ماندلا بیشتر تأکید کند. در جای دیگری نیز دوباره این تأکید دیده می‌شود:

9. I am a member of the Madiba Clan, named after a Thembu chief who ruled in the Transkei in the 18th century (Mandela, 1994, P. 16).

من از اعضای خاندان مدیبا هستم که نام آن از روی نام یکی از رؤسای قبیله تمبو انتخاب شده

که در قرن هجدهم در تارنسکی ریاست می کرده است (Gholami, 2016, p. 16)

زمان دستوری در متن پیشین گذشته ساده (ruled) است، یعنی عملی که در گذشته پایان یافته ولی در ترجمه به ماضی نقلی استمراری (ریاست می کرده است) ترجمه شده است. مترجم با کاربرد زمان ماضی نقلی استمراری به جای گذشته ساده این تلویح ایدئولوژیک را مطرح کرده که طول عمر این قبیله طولانی بوده است (تأکید بر اصالت ماندلا و قبیله اش).

### ۳.۱.۲. تلویح‌های ایدئولوژیک زمان گذشته استمراری

الف) گذشته استمراری به ماضی بعید:

10. Though I was running late, I explained the Freedom charter to this fellow (Mandela, 1994, P. 216).

هرچند دیر شده بود اما من منشور آزادی را برای این مرد توضیح دادم (Gholami, 2016, p. 334).

پاره گفته استمراری (was running late) به ماضی بعید (دیر شده بود) تبدیل شده است. راهکار نخست مترجم تبدیل جمله معلوم به مجهول و حذف کنشگراست. «من داشتم دیر می کردم» به «دیر شده بود» ترجمه شده؛ مترجم اهمیت دیر کردن ماندلا را کم رنگ کرده است. متن پیشین نشان از آن دارد که ماندلا کاملاً دیرش نشده است (در شرف دیر کردن است) در حالی که در ترجمه مترجم با بیان «دیر شده بود» از زمان ماضی بعید استفاده کرده تا بر دیر کردن ماندلا تأکید دوگانه نماید. وی تلویحاً بیان می کند که گرچه ماندلا دیرش شده بود ولی ایستاد و منشور را شرح داد (مترجم به طور ضمنی به انسان دوستی و حس مسئولیت ماندلا توجه ویژه‌ای نموده است).

ب) گذشته استمراری به ماضی نقلی

تلویح‌های به کاررفته از سوی مترجم نه فقط برای نمایش چهره بهتر از ماندلا بلکه حذف برخی نکته‌های اعتقادی نویسنده متن اصلی نیز هست. مانند مورد زیر:

11. Some of his subjects were more downtrodden than others, and that it's sometimes seemed as though He was not paying attention (Mandela, 1994, P. 216).

برخی از بندگان خدا بیش از دیگران رنج می‌برند و گاهی به نظر می‌رسد که از یاد رفته‌اند

(Gholami, 2016, p. 344)

در جمله بالا، دو زمان دستوری تغییر کرده‌اند: نخست «were downtrodden» با زمان گذشته ساده به «رنج می‌برند» با زمان مضارع اخباری تبدیل شده‌است. نویسنده در پی آن بوده که نشان دهد «برخی بندگان بیش از دیگران رنج می‌بردند» در حالی که مترجم با استفاده از زمان مضارع اخباری رنج کشیدن بندگان خدا را امری طبیعی و عمومی جلوه می‌دهد (مترجم دیدگاه و تجربیات خود را دخیل کرده‌است). زمان دیگری که در متن تغییر کرده، زمان گذشته استمراری منفی است (was not paying attention) که به ماضی نقلی مثبت (از یاد رفته‌اند) تبدیل شده‌است. نخستین راهکار، تبدیل فعل منفی به مثبت و کاهش اثربخشی و بار معنایی فعل است. دومین راهکار مترجم تبدیل فعل معلوم به مجهول و دوباره، تغییر عاملیت و حذف کنشگر (در این جا خدا) بوده است (کم کردن بار ایدئولوژیک متن). سومین راهکار مترجم جانشین‌سازی یک واژه به جای دیگر است: فعل استمراری «was not paying attention» به معنی «توجهی نمی‌کرد» به «از یاد رفته‌اند» ترجمه شده که بار معنایی تغییر یافته‌است. بهره‌گیری از زمان گذشته استمراری اشاره به انجام عملی دارد که مدتی در گذشته انجام شده و تداوم داشته‌است ولی ماضی نقلی اشاره به انجام عملی دارد که از گذشته تا حال منتقل شده‌است. مترجم به طور ضمنی با تغییر زمان دستوری در پی آن بوده که نشان دهد وضعیت این بندگان هنوز هم همین‌طور است که مورد توجه قرار ندارند و از یاد رفته‌اند.

### ۳.۱.۳. تلویح‌های ایدئولوژیک ماضی نقلی

الف) ماضی نقلی به گذشته ساده

12. Friends and relatives would ascribe to my birth name the many storms I have both caused and weathered (Mandela, 1994, P. 15).

دوستان و خویشانم آشوب‌ها و ناآرامی‌های بسیاری را که من مسبب بروز آن‌ها بودم به نامی که در بدو تولد روی من گذاشته شد نسبت می‌دادند (Gholami, 2016, p. 16).

زمان دستوری جمله از ماضی نقلی (have caused) به گذشته ساده (مسبب بودم) ترجمه شده‌است. زمان ماضی نقلی اشاره به انتقال عمل از گذشته تا حال دارد. نویسنده خود را مسبب بروز همه آشوب‌ها و ناآرامی‌ها تا زمان حال (زمان نگارش کتاب) می‌داند: «مسبب بوده‌ام»، اما مترجم با استفاده از زمان گذشته ساده این ایدئولوژی را نمایش می‌دهد که ناآرامی‌هایی که ماندلا مسبب آن‌ها بوده فقط ریشه در زمان گذشته دارد (کم‌رنگ کردن ویژگی‌های منفی در ماندلا).

ب) ماضی نقلی به مضارع اخباری

13. My father has sometimes been referred to as the Prime Minister of

Thembuland during the reigns of Dalindyebo, .... (Mandela, 1994, P.16).  
گاهی اوقات پدرم را نخست وزیر تمبو در زمان سلطنت دالیندیبو، ... می خوانند (Gholami, 2016, p. 16).

زمان دستوری فعل در متن پیشین ماضی نقلی مجهول (has been referred) است که به مضارع اخباری (می خوانند) ترجمه شده است. تغییر زمان دستوری از ماضی نقلی به مضارع اخباری تأکید کاملاً ایدئولوژیک مترجم بر اهمیت پدر ماندلا تاکنون است که هنوز از سوی مردم به عنوان نخست وزیر تمبو شناخته می شود (تأکید مترجم بر محبوبیت این خانواده).  
پ) ماضی نقلی به ماضی بعید

14. I visited the area the next day and witnessed scenes I have never before seen and never hope to see again (Mandela, 1994, P. 479).  
من روز بعد از محل دیدن کردم و شاهد صحنه هایی بودم که هیچ گاه نظیر آن را ندیده بودم و امیدوارم هیچ گاه در آینده نیز نظیر آن را نبینم (Gholami, 2016, p. 756).

زمان دستوری متن پیشین ماضی نقلی (have never seen) در ترجمه به ماضی بعید (ندیده بودم) ترجمه شده است. زمان ماضی نقلی نشان از تغییر زمان از گذشته به حال دارد، یعنی گویی تاکنون (تا زمان نگارش متن) نویسنده چنین صحنه هایی ندیده است. این در حالی است که زمان ماضی بعید نشان از عملی دارد که پیش از عمل دیگر در گذشته پایان یافته است اما مترجم با کمک این زمان دستوری بیان می کند که گویی تا «آن زمان» چنین صحنه ای ندیده بوده است (شدت کاهش یافته است). مترجم به طور ضمنی بیان کرده که ممکن است نویسنده چنین صحنه هایی ببیند یا دیده باشد وی به طور ضمنی به نبود امنیت در آفریقا اشاره می کند.  
ت) ماضی نقلی به گذشته استمراری

15. These schools have often been criticised for being colonialist in their attitudes and practices (Mandela, 1994, P. 46).  
این گونه مدارس اغلب به دلیل مآثر استعماری طرز برخوردها و فعالیت هایشان مورد انتقاد قرار می گرفتند (Gholami, 2016, p. 60)

زمان فعل در متن پیشین ماضی نقلی مجهول (have been criticized) است که در ترجمه به گذشته استمراری (مورد انتقاد قرار می گرفتند) ترجمه شده است. زمان ماضی نقلی اشاره به تکمیل یک عمل تا زمان حال دارد. به این معنا که نویسنده در متن اصلی در تلاش است نشان دهد که این گونه مدرسه ها هنوز نیز مورد انتقاد هستند. هر چند با ترجمه فعل به زمان گذشته استمراری مترجم این تلویح ایدئولوژیک را نشان می دهد که گویی این مدرسه ها فقط برای مدتی در گذشته مورد انتقاد قرار داشته اند. این در حالی است که نویسنده بر این تأکید دارد که هنوز هم این



### ۳. ۱. ۴. تلویح‌های ایدئولوژیک ماضی بعید

الف) ماضی بعید به ماضی نقلی

16. Unlike so many other African states Ethiopia had fought colonialism at every turn (Mandela, 1994, P. 238).

بر خلاف بسیاری از دیگر کشورهای آفریقایی، اتیوپی در هر فرصتی با استعمار مبارزه کرده‌است (Gholami, 2016, p. 379).

زمان دستوری ماضی بعید در متن پیشین (had fought) در ترجمه به ماضی نقلی (مبارزه کرده‌است) ترجمه شده‌است. زمان ماضی بعید نشان از انجام عملی دارد که در گذشته پیش از عمل دیگر پایان یافته‌است. هر چند، این زمان دستوری در ترجمه به زمان ماضی نقلی ترجمه شده که نشان از تغییر زمان از گذشته به حال دارد. به این معنا که گویی اتیوپی هنوز هم در هر فرصتی با استعمار مبارزه می‌کند.

ب) ماضی بعید به گذشته استمراری

17. He was ill with some type of lung disease, but it was not diagnosed, as my father had never visited the doctor (Mandela, 1994, P. 24).

او از نوعی بیماری ریوی رنج می‌برد که کسی آن را تشخیص نداده بود، زیرا پدرم هیچ‌گاه به پزشک مراجعه نمی‌کرد (Gholami, 2016, p. 27)

زمان دستوری در متن پیشین ماضی بعید (had never visited) است که در ترجمه به گذشته استمراری (هیچ‌گاه مراجعه نمی‌کرد) ترجمه شده‌است. ماضی بعید اشاره به عملی در گذشته پیش از عمل دیگر دارد و گذشته استمراری به تداوم عمل در گذشته اشاره می‌کند. کاربرد زمان ماضی بعید نشان از این دارد که تا زمان بروز بیماری او هرگز به پزشک مراجعه نکرده بود اما زمان گذشته استمراری استفاده شده در ترجمه نشان از این دارد که این عادت او بوده‌است که به پزشک مراجعه نکند (تلویح ضمنی مترجم در نمایش قدرت جسمانی این خانواده و باورهای سنت‌گرایی آن است).

### ۳. ۲. تلویح‌های ایدئولوژیک در زندگی‌نامه تاجر

#### ۳. ۲. ۱. تلویح‌های ایدئولوژیک حال ساده

18. In the Thatcher memoirs Hodgkin is described as an “ever-helpful tutor” who got her some modest college grants to see her through (Blundell, 2008, P. 27).

هاجکین در خاطرات تاجر، معلمی بود که همیشه کمکش می‌کرد و از دانشگاه برای او کمک هزینه تحصیلی می‌گرفت (Choppani, 2008, p. 43).

در ترجمه جمله بالا، زمان دستوری به زمان حال ساده مجهول (is described) به فعل معین گذشته to be (بود) ترجمه شده است. مترجم به صورت تلویحی با استفاده از زمان گذشته ساده، خاطرات با ارزش معلمی که او همیشه به عنوان کمک همیشگی اش توصیف می‌کند را به گذشته ترجمه کرده (نشان از تلویح مترجم برای نمایش شخصیت منفی تاجر در عدم ارزش گذاری به افرادی که در گذشته وی را یاری کرده‌اند).

### ۲.۲.۳. تلویح‌های ایدئولوژیک زمان گذشته ساده

الف) گذشته ساده به مضارع اخباری

19. So what did she stand for? (Blundell, 2008, P. 191)

پس این جایگاه او [تاجر] به چه دلالی است؟ (Choppani, 2008, p. 243).

زمان جمله پیشین، گذشته ساده فعل (stand for) است و نشان از بیان یک روایت یا عمل در گذشته دارد، در حالی که در ترجمه به مضارع اخباری با فعل معین to be ترجمه شده است (به -- دلالی است). نویسنده در پی این بوده که جایگاه و منزلت تاجر را در گذشته نشان دهد در حالی که مترجم با تکیه بر پیش- آگاه خود نسبت به جایگاه که هنوز تاجر در میان سیاستمداران انگلیس دارد، با استفاده از زمان مضارع اخباری این جایگاه را تا زمان حال ادامه می‌دهد (تلویح غیرمستقیم مترجم در نمایش ادامه سیاست های انگلیس تا زمان حال).

ب) گذشته ساده به ماضی نقلی

20. "It is passionately interesting for me that the things I learned in a small town, in a very modest home, are just the things that I believed won the election" (Blundell, 2008, P. 193).

«خیلی جالب است! چیزهایی را که من در شهری کوچک و در خانه ای معمولی یاد گرفته‌ام همان باورهایم هنگام پیروزی انتخابات هستند» (Choppani, 2008, p. 245).

زمان گذشته ساده در متن پیشین (learned) در ترجمه به ماضی نقلی (یاد گرفته‌ام) ترجمه شده است. قصد نویسنده از کاربرد گذشته ساده در متن این بوده که نشان دهد تاجر فردی اصیل است و باورهای انتخاباتی خود را نیز از کودکی فرا گرفته است؛ به تعبیری نوعی اغراق (hyperbole) در متن پیشین به چشم می‌خورد ولی مترجم در هنگام ترجمه با استفاده از زمان دستوری ماضی نقلی این یادگیری را تا زمان حال کشانده است و تأکید نویسنده متن را در بیان توانمندی‌های دوره کودکی و اصالت وی کاهش داده است.

پ) گذشته ساده به گذشته استمراری

21. In the Thatcher memoirs Hodgkin is described as an “ever-helpful tutor” who got her some modest college grants to see her through (Blundell, 2008, P. 27).

هاجکین در خاطرات تاجر، معلمی بود که همیشه کمکش می کرد و از دانشگاه برای او کمک هزینه تحصیلی می گرفت (Choppani, 2008, p. 43).

تغییر زمان دستوری دیگر در جمله بالا مربوط به تبدیل گذشته ساده (got) به گذشته استمراری (می گرفت) است. بهره گیری از زمان گذشته استمراری اشاره به انجام عملی دارد که در زمان گذشته یا مدتی ادامه داشته یا چند بار تکرار شده است. تلویح ایدئولوژیک و اشاره منفی مترجم در بیان این امر است که تاجر به کمک هزینه تحصیلی و فقط با بهره گیری از پژوهانه های دریافتی از سوی استادش به تحصیل ادامه داده است. این در حالی است که در متن پیشین با استفاده از زمان گذشته ساده (انجام عملی در گذشته) نویسنده قصد تکیه بر این نکته را نداشته است (این نکته قابل توجه است که زمان گذشته استمراری اشاره به عملی است که چندین بار در گذشته تکرار شده است یا مدتی در گذشته ادامه داشته است).

### ۳.۲.۳. تلویح های ایدئولوژیک زمان گذشته استمراری

الف) گذشته استمراری به ماضی بعید

22. Even though she was now maturing intellectually and had a private tutor it was still quite a remarkable fear (Blundell, 2008, P. 23).

اگرچه او از لحاظ فکری به بلوغ رسیده بود و توسط یک معلم خصوصی آموزش می دید، شاهکار قابل توجه بود (ص. ۳۹).

زمان جمله مبدأ گذشته استمراری (was maturing) است که نشان از تداوم یک عمل در گذشته دارد و این در حالی است که در ترجمه به ماضی بعید (به بلوغ رسیده بود) ترجمه شده است. متن اصلی اشاره به این دارد که وی (تاجر) در حال رسیدن به بلوغ فکری بود (یعنی هنوز به بلوغ فکری نرسیده بود) و با این حال هوش و استعداد وی قابل توجه بود. هر چند، مترجم با استفاده از زمان ماضی بعید او را فرد بالغی معرفی می کند (کسی که به بلوغ فکری رسیده بود) و تأثیر نویسنده برای نمایش هوش و استعداد تاجر را سست می کند.

### ۳.۲.۴. تلویح های ایدئولوژیک زمان ماضی نقلی

الف) ماضی نقلی به گذشته ساده:

23. Americans have struggled for two plus decades to understand the Falkland Islands War (Blundell, 2008, P. 113).

آمریکایی‌ها بیش از دو دهه تقلا کردند تا علت جنگ جزایر فالکلند را دریابند (Choppani, 2008, p. 147).

در متن پیشین نویسنده با استفاده از زمان ماضی نقلی (have struggled) بر این تلاش بوده که نشان دهد در طول دو دهه آمریکایی‌ها خواسته‌اند علت جنگ فالکلند بین آمریکا و انگلیسی را درک کنند. این درحالی است که در ترجمه با استفاده از زمان گذشته ساده، مترجم شدت تأکید نویسنده را در بیان اینکه آمریکا قدرت تشخیص سیاسی ضعیفی دارد را کاهش داده است (به نظر می‌رسد این تغییر نشان از ناآگاهی مترجم از اختلاف این دو کشور بر سر این قضیه است که تاکنون نیز ادامه دارد<sup>۱</sup>).

ب) ماضی نقلی به مضارع اخباری

24. Within hours the Belgrano was sunk with the loss of 321 lives and it has since become a talisman for the left who have used it to question guiding how Prime Minister Thatcher fought the war (Blundell, 2008, P. 117).

در عرض چند ساعت بلگرانو با تلفات ۳۲۱ تن غرق شد که از آن موقع بهانه ای برای چپ‌گراها شد و از آن برای این پرسش استفاده می‌کنند که چگونه نخست وزیر این جنگ را به راه انداخت (Choppani, 2008, p. 152).

فعل ماضی نقلی (have used) به مضارع اخباری (استفاده می‌کنند) ترجمه شده است، ماضی نقلی برای انتقال عمل تا زمان حال به کار گرفته می‌شود. با این وجود، زمان مضارع اخباری اشاره به انجام عملی دارد که پیوسته در زمان حال در حال رخ دادن است. به باور نگارنده مترجم با استفاده از زمان مضارع اخباری به این تأکید دارد که نشان دهد سیاست‌های تاجر هنوز هم از سوی چپ‌گرایان مورد انتقاد است (تلویحاً اشاره به دیدگاه مخالفین نسبت به سیاست‌های دشمنانه وی). از سویی مترجم از راهکار حذف نیز در این جمله استفاده کرده و از بیان نام (تاجر) پرهیز کرده است.

### ۳.۲.۵. تلویح‌های ایدئولوژیک ماضی بعید

الف) ماضی بعید به گذشته ساده

25. She had learned to play piano and recite poetry aloud to audiences [(winning prizes since she was 10), which was surely good grounding for

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، به وب‌گاه زیر رجوع شود:

[later public speaking] (Blundell, 2008, P. 21).

پیش از ورود به مدرسه خواندن بلد بود، بیان خواندن را بلد بود و برای حاضران از حفظ شعر می خواند (Choppani, 2008, p. 36).

زمان فعل در متن پیشین ماضی بعید (had learned) به گذشته ساده (بلد بود) ترجمه شده است. نویسنده با استفاده از زمان ماضی بعید در تلاش برای نمایش این امر است که توانمندی های تاجر تا اندازه ای بود که بیان زدن و حفظ شعر را حتی پیش از ورود به مدرسه آموخته بود. با این وجود، در ترجمه با استفاده از زمان گذشته ساده به نظر می رسد. این تلویح ایدئولوژیک وجود دارد که مترجم از تأکید نویسنده کاسته است (نادیده گرفتن توانایی تاجر به عنوان یک کودک).

از آن جایی که این پژوهش بیشتر در پی تکیه بر مفاهیم و تلویحات ایدئولوژیک زمان دستوری دارد در بخش انتخاب های ترجمه ای، راهکارها و راهکارهایی مورد توجه قرار گرفته اند که نشانی از تلویحات ایدئولوژیک زمان دستوری در آن جمله به چشم می خورد. همچنین نگارنده از پرداختن به بررسی دیگر راهکارهای به کاررفته در دیگر جمله های بدون تلویحات ایدئولوژیک پرهیز کرده است. به نظر می رسد که این مورد می تواند موضوع مناسبی برای مطالعه پژوهشگران آتی فراهم آورد.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

در روند بررسی زمان دستوری و تلویح های ایدئولوژیک در این پژوهش، از زندگی نامه سیاسی دو چهره سرشناس بهره گرفته شد که هر یک از دیدگاه قدرت حاکم بر جامعه ایران از تأثیرات اجتماعی و سیاسی تا اندازه متفاوتی برخوردارند. ماندلا به عنوان یک فرد سیاسی سیاه پوست که ۲۸ سال از عمرش را در زندان های آفریقای جنوبی سپری کرده، همواره از سوی جامعه و دولت ایران مورد احترام بوده است؛ وی حتی پس از آزادی از زندان دو بار به ایران سفر کرد، یکی در سال ۷۱ و دیگری در سال ۷۸. دور از ذهن نیست که دیدگاه مثبت وی به ایران، تأثیرات ایدئولوژیک مثبتی را در جامعه ایران و در پی آن در ترجمه اثر بر جای بگذارد. از سوی دیگر دیدگاه مثبت نظام حاکم بر ایران نسبت به جنبش ها و اقلیت هایی که در راه احقاق حقوق خود در تلاش اند از دلایل مهم دیگری است که نویسنده ها و مترجم های جامعه را نیز متأثر نماید؛ بنابراین نشانه های به کارگیری زمان دستوری از سوی مترجم گاه بیانگر تلویحات ایدئولوژیک به کاررفته برای معرفی ماندلا به عنوان یک چهره سیاسی معتبر و اخلاقی است.

در بررسی زندگی نامه تاجر که به وسیله یکی از دوستان و هم رده های سیاسی وی، از حزب

محافظه‌کار به نگارش درآمد، مترجم وضعیت جدیدی در بازنمایی وقایع و رویدادها پیدا می‌کند. سابقه سیاسی تاجر از همان شروع انقلاب اسلامی و به ویژه با جریان گروگان‌گیری و اشغال سفارت ایران و همچنین در طول جنگ ایران و عراق و حمایت‌های آشکار و پنهان وی از دولت عراق و حتی بستن سفارت‌خانه خود در ایران تا شروع جنگ و عدم اجرای تعهدات دولت وی نسبت به ایران نمایانگر موضع‌گیری‌های وی و تأثیر این موضع‌گیری‌ها در بازنمایی رویدادها و نمایش ایدئولوژیک آن در جامعه و تأثیرات احتمالی آن بر ترجمه بوده که انکار ناشدنی است. از سوی دیگر، دیدگاه تاندازه‌ای منفی قدرت حاکم در ایران به سیاست‌های انگلیس، در برخی موارد ترجمه را به سوی انتخاب‌های ایدئولوژیک هدایت کرده است. بر پایه دیدگاه فرکلان (Fairclough, 2003) عوامل بیرونی در سطح کلان، بازنمایی‌های اجتماعی و تصویرهای بصری و ذهنی متفاوتی را در یک متن ایجاد می‌کنند، بنابراین متون از نقطه‌نظر ویژه‌ای به نگارش در می‌آیند و در پی جذب مخاطبین خود هستند.

در جامعه‌ای همچون ایران، مترجم آگاهانه یا ناآگاهانه در این راستا قرار می‌گیرد که با انتخاب‌های ترجمه‌ای خود چه از دیدگاه خرد یعنی در انتخاب واژگان و دستور و چه از دیدگاه کلان‌تر یعنی بازنمایی رویدادها از منظر گفتمانی و اجتماعی در یک محیط بینامتنی و گفتمانی قرار گیرد. بنابراین مترجم از یک سو به بازنمایی رویدادها در متن پیشین پرداخته و از سوی دیگر بازنمایی‌ها را به رویدادهای دیگر جامعه مقصد پیوسته می‌کند؛ این همان تکرار گفتمانی از طریق بینامتنیت است. مترجم در مسیر یک رویداد اجتماعی همچون ترجمه، فعالیت‌های اجتماعی، رخ دادها و موقعیت‌های گوناگون اجتماع خود را در نظام و ساختار اجتماعی ویژه آن باز می‌تاباند. میزان تلویحات ایدئولوژیک برآمده از تغییر زمان دستوری آمار چشمگیری را در این پژوهش نشان نمی‌دهد (فقط ۳۱ مورد از میان ۵۴۶۰ فعل موجود در پیکره پژوهش). با این وجود، نمی‌توان از راهکارهای گوناگون مترجم در طول ترجمه با حذف برخی مسائل اجتماعی و سیاسی (حذف مراسم سنتی و مذهبی در ترجمه زندگی‌نامه ماندلا) و یا حذف برخی جمله‌های سیاسی در ترجمه کتاب زندگی‌نامه تاجر، این ساختار اجتماعی را نادیده انگاشت و تأثیرات قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه ایران را در ترجمه در نظر نگرفت. به این معنا که هر انتخاب ترجمه‌ای چه در سطح خرد (واژگانی و نحوی) و چه در سطح کلان (قضاوت‌های مترجم و راهکارهای فرامتنی و نشانه‌ای) مترجم را بر آن می‌دارد تا ساختاری را بر ساختاری و گفتمانی را بر گفتمانی ترجیح دهد. این کار ممکن است تأثیراتی بر جامعه بگذارد و مفهومی جدید یا فراتر از متن مبدأ را به خواننده القا نماید. به همین دلیل این انتخاب‌ها حتی اگر کم، اما به نوعی در روند گرایش جامعه

تأثیر خود را ایفا می‌نمایند. از سویی در بررسی تغییرات زمان دستوری و تلویحات ایدئولوژیک احتمالی آن‌ها در متن پسین (مقصد)، این نتیجه به دست آمد که بیشتر زمان‌های دستوری در ترجمه دو کتاب بدون تغییر باقی ماندند و بروز تغییرات در دو ترجمه گاه از یک اصل مشترک پیروی کرده و گاهی فاقد یک قاعده نظام مند بوده‌اند. اما با توجه به تأثیرات ایدئولوژی و قدرت حاکم بر جامعه به نظر می‌رسد که تغییرات زمان دستوری نیز از این جریان بی‌تأثیر نبوده‌است. آنچه مسلم است تلویحات ایدئولوژیک برآمده از زمان دستوری در هر دو ترجمه در تلاش برای نشان دادن چهره محبوب یا غیرمحبوبی از فرد است. البته بیان این نکته بسیار اهمیت دارد که زمان دستوری به تنهایی برای تشخیص تلویح‌ها کافی نیست و تحلیل با توجه به کل متن انجام می‌گیرد. همچنین ممکن است یافته‌های به دست آمده از فراوانی چندانی برخوردار نباشند ولی به نظر می‌رسد که دو دیدگاه متفاوت از این افراد در جامعه فارسی زبان ترسیم شده که می‌تواند از لحاظ فراهم آوردن تصویری گوناگون از برخی زوایای زندگی سیاسی، شخصیتی و رفتاری این دو چهره سیاسی بسیار مهم باشد. از سویی با توجه به رابطه زمان دستوری، نمود و وجه فعلی با یکدیگر پژوهش‌هایی از این گونه بر روی نمود و وجه فعلی نیز می‌تواند در بررسی نقش مقوله‌های فعلی و تأثیرات و تلویحات ایدئولوژیک آن‌ها در ترجمه سودمند باشد.

### فهرست منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیلی گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نشر علمی.
- بلاندل، جان (۱۳۸۷). مارگارت تاجر بانوی آهنین. ترجمه هانیه چوپانی. تهران: نشر کوله پستی.
- خزاعی فر، علی (۱۳۸۴). «گزارشی از دومین همایش ترجمه ادبی در ایران. (دانشگاه فردوسی مشهد، ۶ و ۷ مهر ۸۴)». نامه فرهنگستان. دوره ۷. شماره ۳. صص ۲۲۳-۲۳۵.
- رضایی، حدایتی (۱۳۸۸). وجهیت و زمان دستوری در زبان فارسی با تأکید بر فیلم‌نامه‌های فارسی. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». علوم سیاسی. سال ۷. شماره ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.
- صفر دوست، عباس (۱۳۹۵). تصریف زمان دستوری افعال زبان فارسی و شیوه پردازش آن: رویکردی زبان روان‌شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- فرزاد، فرزانه (۱۳۸۳). بینامتنیت در ترجمه. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۶. صص ۲۴۳-۲۴۸.
- فرزاد، فرزانه (۱۳۹۰). «نقد ترجمه: مدلی سه وجهی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی». مطالعات ترجمه. سال ۹. شماره ۳۶. صص ۴۸-۳۰.

- فرحزاد، فرزانه و افسانه محمدی شاهرخ (۱۳۹۴). فرهنگ جامع مطالعات ترجمه. تهران: نشر علمی.
- گلفام، ارسلان (۱۳۹۳). اصول دستور زبان. ج ۶. تهران: انتشارات سمت.
- ماندلا، نلسون (۱۳۹۵). راه دشوار آزادی: خاطرات نلسون ماندلا. ج ۷. ترجمه مهوش غلامی. تهران: نشر مؤسسه اطلاعات.
- منتظری هدشی، شهره (۱۳۹۱). بررسی مقابله ای عامل زمان در فعل زبان های فارسی و انگلیسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- میرشجاعی، آناهیتا و محمدحسین قریشی (۱۳۹۵). «بررسی نشانه ای-فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی) مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی». زبان پژوهی. سال ۸ شماره ۱۹، ص ۸.

## References

- Aghagolzadeh, F. (2013). *Descriptive and analytical dictionary of discourse and pragmatics*. Tehran: Elmi [In Persian].
- Blundell, J. (2008). *Margaret Thatcher, A portrait of the Iron lady*. (H. Choppani, Trans.). Tehran: Kooleh Poshti [In Persian].
- Blundell, John (2008), *Margaret Thatcher: A portrait of the Iron lady*. New York: Algora Publicaion.
- Catford, J. C. (1965). *A linguistic theory of translation*. Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge university press.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing discourse: textual analysis for social research*. London & New York: Routledge.
- Farahzad, F. (2004). Intertextuality. *An articles series of Alleme Tabatabaeei University*. 6, 243-248 [In Persian].
- Farahzad, F. (2012). Translation Criticism: a three-dimensional model based on CDA. *Quarterly of Translation Studies*. 36 (9), 30-48 [In Persian].
- Farahzad, F. (2015). *A comprehensive Dictionary of Translation Studies*. Tehrn. Elmi [In Persian].
- Golfam, A. (2014). *Principles of grammar* (6<sup>nd</sup> ed). Tehran: SAMT [In Persian].
- Khazae Far, A. (2005). A report from the second conference on literary translation in Iran (Ferdowsi University of Mashhad, October 26 and 28, 2005), *Name-ye-Farhangestan*, 7 (3), 223-235 [In Persian].
- Lyons, J. (1968). *Introduction to theoretical linguistics*. London: Cambridge University Press.
- Mandela, N. (1994). *Long walk to Freedom*. USA: Macdonald Purnell.
- Mandela, N. (2016). *Memoirs of Nelson Mandela* (7<sup>nd</sup> ed). (M. Gholami, Trans.). Tehran. Etelaat Publication Center [In Persian].
- McIntosh, C. (2013). *Cambridge Advanced Learner's Dictionary* (4<sup>nd</sup> ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Mirshojaee, A. & Ghoreishi, M. H. (2016). A cultural an semiological study and ideology shift in translation (based on CDA). A case study: Old man and the sea, by Ernest Hemingway. *Quarterly of Iranian journal of language research* 19 (8), 8 [In Persian].



- Montazeri Hadashi, Sh. (2012). A contrastive analysis of tense factor in English and Persian verbs (Master thesis). Azad University (Central branch), Tehran, Iran [In Persian].
- Rezaei, H. (2009). *Modality and tense in Persian language with the focus on Persian screenplays* (PhD. dissertation). Esfahan University, Esfahan, Iran [In Persian].
- Safardoost, A. (2016). *Inflection of Persian verb tenses and their process: a – psycho-linguistically approach*. (Master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran [In Persian].
- Schaffner, C. (2004). *Political discourse analysis from the point of view of translation studies*. *Journal of Language and Politics*, 3 (1), 117 – 150.
- Soltani, A. (2004). Discourse analysis as theory and method. *Political science journal*, 28 (7), 154-159; 171 [In Persian].
- Stevenson, A. (2010). *Oxford dictionary of English*. (3<sup>rd</sup> ed.). New York: Oxford University Press.
- Webster, M. (2020). *Merriam-Webster's dictionary and thesaurus*. (1<sup>nd</sup> ed). USA: Merriam-Webster Mass Market.
- Widdowson, H. G. (2004). *Text, Context and Pretext*. New Jersey: Blackwell Publishing.

وب گاه

<https://www.theguardian.com/world/2012/apr/01/us-feared-falklands-war-documents>

## Verb Tenses and Their Ideological Implications on Translated Texts Based on CDA

Nasrin Abdi<sup>1</sup>  
Farzaneh Farahzad<sup>2</sup>  
Golrokh Saeednia<sup>3</sup>

Received: 18/08/2019

Accepted: 13/01/2020

Article Type: Research

### Abstract

Today, translation has become a major means of communication. It plays an important role in the transfer of information and establishing relationships among individuals and nations. Translation is "a conscious, planned activity, performed in a controlled manner and aims at establishing communication between different cultural environments"(as cited in Sidiropoulou 2004, p.1). Ideology is considered highly important in a wide range of academic disciplines including cultural studies, communications, linguistics, and translation studies. Ideology and its effect on translation have long become a research focus in the field of translation studies. If we advocate the theories on the relationship between translation and ideology, then we would witness many cultural clashes revealing the distance between the source text and the ideological encounters it creates in the translated text.

Therefore, surveying different translations of the same source text from an ideological point of view can yield insightful clues as to where the differences of these translations come from. The present paper reports the results of a study conducted aiming to explore the relationship between ideology and translation as well as the impact of the translator's ideology and the dominant ideology on the target text. The process of translation is manipulated by ideology, which involves both the translator's ideology and the dominant ideology of the society. It is the complex interaction of the two ideologies that results in the difference in the translation product as well as the necessary changes made in the process of translation through the translator's subjectivity. Many scholars have emphasized that the exercise of ideology is as old as the history of translation itself. According to Fawcett (1998), "throughout the centuries, individuals and institutions applied their

---

<sup>1</sup> PhD candidate in Linguistics, Linguistics Department of Islamic Azad University Science and Research branch, Qom (corresponding author); [n-abdi@farabi.tums.ac.ir](mailto:n-abdi@farabi.tums.ac.ir)

<sup>2</sup> PhD in Teaching English as a Foreign Language, Faculty member at Allameh Tabataba'i University; [farahzade@atu.ac.ir](mailto:farahzade@atu.ac.ir)

<sup>3</sup> PhD in Linguistics; [saeednia\\_g@yahoo.com](mailto:saeednia_g@yahoo.com)

particular beliefs to the production of a certain effect in translation” (p. 107). He further claims that an ideological approach to translation can be found in some of the earliest examples of translation known to us.

Nevertheless, the linguistic-oriented approach to translation studies has failed to address the concept of ideology through years of prevalence, because such approaches are limited to their scientific models for research and the empirical data they collect, so that according to Venuti (1998a), “they remain reluctant to take into account the social values and ideologies that enter into translating as well as the study of it”. Perez (2003) reflects the ideas of CDA scholars, where she states that all language use is ideological and as translation is carried out on language use, translation itself is a site of ideological encounters. As Fawcett (1998, p.107) demonstrates, “translation, simply because of its existence, have always been ideological”. Schaffner (2003) mentions that ideological aspects within the text are determined at the lexical level and grammatical level. She explains: Ideological aspect can [...] be determined within a text itself, both at the lexical level (reflected, for example, in the deliberate choice or avoidance of a particular word [...]) and the grammatical level (for example, use of passive structures to avoid an expression of agency). Ideological aspects can be more or less obvious in texts, depending on the topic of a text, its genre, and communicative purposes.

This paper studies "verb tenses and their probable ideological implications in translation" based on Farhzad's Critical Model of Translation (2012), which uses a combination of Contrastive Discourse Analysis (CDA), Translation Strategies, and Intertextuality. The corpus of study has been taken out of the memories of two non-Iranian politicians (Nelson Mandela and Margaret Thatcher) and their translated books. The results showed several tense shifts in translation and their ideological implications, however not significant. Ideological implications in studying these books were not the same in the two books. The political background in Iran shows that these politicians enjoy different political and social perspectives from the points of view of dominant political power in Iran.

The study showed that applying tense shifts explores some ideological implications, consciously or unconsciously, to present Mandela as a popular, moral, and political character and person; but on the other hand, in a translation of Thatcher's, the translator faces with a new status in the representation of happenings and events during the story. The political background of Thatcher shows her unfair positioning against Iran and its authority power and consequently its unpleasant and effects in representing events and ideology in translation which is undeniable. Although the statistical outputs of the ideological implications are not significant through the study, we cannot ignore the translator's different strategies such as deleting a series of social and political issues through translation by removing traditional and religious customs and traditions for example in Mandela's translation and/or deleting some ideological sentences in Thatcher's. Ideological implications resulting from the tense shifts in both translations attempt to represent a significant and special characteristic of these persons in the society of Iran. The author believes that tense shifts, almost insignificantly, represent different outlooks from some angles of political, personality, and behavior of these two political faces.

**Keywords:** CDA, Ideology, Intertextuality, Tense Shifts, Translation Criticism